



بررسی تطبیقی مفهوم عبادت از دیدگاه امامیه و

وهابیت

فرشته چهرزاد*

چکیده

علمای امامیه تعاریف متعددی از عبادت ارائه داده‌اند که این تعاریف به دو دسته کلی قابل تقسیم هستند. یک دسته عبادت را به معنی «انجام اوامر عبادی مانند نماز، روزه و حج...» و دسته دیگر آن را به معنای «خضوع در برابر موجودی که دارای وصف ربوبیت و الوهیت باشد» می‌دانند. وجه مشترک هر دو دسته این است که «صرف خضوع» را برای شکل‌گیری «عبادت» کافی نمی‌دانند. از این رو صرف «سجده»، «طواف حول قبور»، «ذبح در مکان‌های مقدس» و «ندای غیر الله» و مسائلی از این قبیل را عبادت نمی‌دانند، مگر اینکه این اعمال با قصد تقرب همراه باشند. در مقابل، وهابیان چهار تعریف از عبادت ارائه داده‌اند که یک مورد از این چهار تعریف [غَايَةُ الْحُبِّ بِغَايَةِ الذَّلِّ وَالْخُضُوعِ؛ نهایت حب همراه با نهایت خاکساری و خضوع] از بقیه تعاریف در نوشته‌های وهابیان کاربرد بیشتری دارد. آنان کمال و نهایت خضوع و محبت را برای شکل‌گیری عبادت، کافی می‌دانند. از این رو بسیاری از اعمالی را که در ظاهر با خضوع همراه هستند، عبادت محسوب کرده و مدعی‌اند هرگاه این اعمال در برابر غیر الله انجام گیرند، شرک، محقق می‌شود. مهم‌ترین نقدی که به تعریف وهابیان وارد است اینکه آنان از عنصر اصلی عبادت یعنی نیت و اعتقاد، غفلت کرده‌اند و توجه ندارند آنچه «عادات» را از «عبادات» جدا می‌کند، صرفاً «نیت» است و این مطلبی است که رسول الله ﷺ نیز به آن اشاره کردند و فرمودند: «انما الاعمال بالنیات»؛^۱ ملاک عمل، نیت است نه ظاهر آن.

کلیدواژه‌ها: شیعه امامیه، مفهوم عبادت، وهابیت، شرک.

* دانش‌پژوه دوره اول وهابیت‌شناسی، جامعة الزهراء (ع).
۱. طوسی، محمد بن حسن، امالی، ج ۲، ص ۲۰۶.

مقدمه

توحید عبادی به معنی اختصاص دادن عبادت به خداوند متعال است. به شهادت قرآن، توحید عبادی یکی از محورهای اصلی دعوت انبیا بوده است. چنانکه خداوند می‌فرماید:

﴿وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ﴾^۱

ما در هر امتی رسولی فرستادیم تا به مردم بگویند الله را عبادت کنید و از طاغوت بپرهیزید.

بر اساس این آیه شریفه، تمامی رسل الهی، پرستش الله و اجتناب از طاغوت را از امت‌های خود مطالبه کرده‌اند.

خداوند متعال خطاب به رسول الله ﷺ می‌فرماید:

﴿وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِي إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ﴾^۲

ما قبل از تو هیچ رسولی نفرستادیم، الا اینکه اقرار به لا اله الا الله و وجوب عبادت الله را به او وحی کردیم.

پس توحید عبادی و انحصار «عبادت» و «پرستش» در الله از همه اقوام مطالبه شده است. سؤالی که باید پاسخ داده شود این است که این عبادتی که از بندگان خواسته شده به چه معناست و «افعال العباد» در چه صورتی «عبادت» و در چه صورتی «عادت» محسوب می‌شود. به بیان دیگر فرد باید افعال خود را با چه عناصری همراه کند تا افعال او به عنوان عبادت قرار گرفته و از جرگه عادت خارج شوند؟

در نوشته پیش رو چستی عبادت را از دیدگاه امامیه و وهابیت بررسی کرده‌ایم. علمای مذاهب برای پاسخ به این سؤال، راه‌های متعددی را پیموده‌اند. برخی صرف خضوع را برای شکل‌گیری عبادت کافی دانسته‌اند و گفته‌اند هر عملی با نهایت خضوع و خشوع همراه باشد، عبادت است. ارائه این تعریف آنان را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. مثلاً با توجه به اینکه عنصر اصلی عبادت را خضوع می‌دانند در توجیه سجده ملائکه بر

۱. نحل، ۳۶.

۲. انبیا، ۲۵.

آدم عليه السلام درمانده شده‌اند؛ زیرا اگر بگویند سجده آنان با «خضوع» همراه نبود؛ صادق نیستند؛ چراکه سجده مظهر خضوع است؛ اما اگر بگویند سجده آنان همراه با خضوع بوده است؛ گفتارشان صادق است؛ اما به خودی خود ملائکه را متهم به پرستش غیر الله کرده‌اند؛ زیرا از منظر این طیف، صرف خضوع برای تحقق «عبادت» کافی است! آنان برای اینکه از این مهلکه فرار کنند گفته‌اند: شرک در تمام موارد حرام است؛ مگر اینکه به امر و خواسته پروردگار باشد و گمان کرده‌اند، ملائکه اگر شرک مرتکب شدند به امر پروردگار بود و این مقدار از شرک جایز است. گویا اعتقاد آنان بر این است که شرک ازجمله گناهای است که تخصیص بردار می‌باشد درحالی که شرک، مصداق ظلم است و تخصیص بردار نیست و آنان توجه ندارند که پروردگار جز به قسط و عدل امر نمی‌کند. ﴿قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ﴾^۱

در مقابل دسته مذکور، عده‌ای دیگر صرف خضوع را برای تحقق عبادت کافی ندانسته و گفته‌اند آنچه عادات را از عبادات جدا می‌کند «نیت و اعتقاد» افراد است. آنان در توجیه سجده ملائکه بر آدم نوشته‌اند چون با نیت پرستش همراه نبوده پس سجده آنان عبادت و پرستش آدم محسوب نمی‌شود و همین امر موجب شده تا سجده را به عبادی و عادی تقسیم کنند.^۲

در پایان این مقدمه به دو نکته اساسی اشاره می‌شود: نکته اول اینکه بحث ما در این نوشتار درخصوص عبادت بالمعنی الاعم است. توضیح مطلب اینکه عبادت در کتب اصول فقه دو کاربرد اعم و اخص دارد. مراد از عبادت بالمعنی الاخص آن دسته از اعمالی است که شرط صحت آنها قصد تقرب است و اگر بدون قصد تقرب انجام شود، باطل است. مراد از عبادت بالاعم این است که هر عملی - حتی معاملات - را می‌توان به قصد تقرب انجام داد تا عبادت محسوب شوند و در نتیجه انجام آنها دارای ثواب باشد. در تقریرات درس خارج اصول آیت الله مکارم شیرازی آمده:

۱. الأعراف، ۲۹.

۲. نک: تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳۴ بقره ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾.

العبادة كما ذكره القوم على قسمين: العبادة بالمعنى الأخص وهي ما يشترط فيه قصد القرية وبدونها تكون فاسدة. العبادة بالمعنى الأعم وهي ما يؤتى بقصد القرية وإن لم يعتبر في صحتها ذلك فلو ترك القرية فيها لم يستحق الثواب وإن كان عمله صحيحاً بسبب كونه توصلياً... ولا إشكال في أنّ الجهاد من القسم الثاني.^۱

ما در این نوشتار در پی تبیین معنای عبادت به المعنى الاعم می‌باشیم و عبادت بالامعنى الاخص از بحث این نوشتار خارج است.

نکته دوم: در هیچ آیه و روایتی تعریفی از معنای اصطلاحی عبادت ارائه نشده است و آنچه در نصوص شرعی آمده ربطی به تعریف اصطلاحی این واژه ندارد. مثلاً در قرآن کریم بشر به عبادت و صبر بر آن توصیه شده است^۲ و همچنین برخی از بندگان به سبب عبادت پروردگار، تمجید شده‌اند^۳ و در برخی از آیات به آثار ترک عبادت^۴ و عواقب پرستش غیر الله اشاره شده است؛^۵ اما در هیچ موردی، عبادت تعریف نشده. در روایات، مطلب به همین شکل است و تفسیر اصطلاحی این واژه ذکر نشده بلکه هرچه هست درباره آثار و برکات عبادت و نتایج خسارت بار ترک عبادت است. شاید ذکر نشدن نص صریح در تعریف عبادت، موجب بروز اختلاف بین علمای مذاهب در تفسیر این واژه شده است و اگر نص صریح و صحیحی در این باب وجود داشت همگان به آن نص پایبند می‌شدند و اختلافی پیش نمی‌آمد.

با توجه به دو نکته ذکر شده، تعاریف امامیه را از لابه‌لای کتب اصولی، فقهی، تفسیری و عقیدتی جمع‌آوری کردیم و به این نتیجه رسیدیم که تمامی این تعاریف در دو

۱. مکارم شیرازی، ناصر، أنوار الاصول (تقریرات درس خارج اصول)، ج ۱۹، ص ۵؛

«العبادة بالمعنى الخاص أى خصوص ما يشترط في صحتها قصد القرية أو فقل هي خصوص الوظيفة التي شرعها الله تعالى لاجل التقرب بها إليه» و «العبادة بالمعنى الاعم مثل غسل الثوب من النجاسة لانه وان صح ان يقع عبادة متقربا به إلى الله تعالى لايتوقف حصول أثره المرغوب فيه وهو زوال النجاسة على وقوعه قريبا». (مظفر، محمدرضا، اصول الفقه، ج ۱، ص ۲۶۳).

۲. رَبِّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَ مَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَ اضْطَرِّبْ لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا؛ (مریم، ۶۵).

۳. إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ يُسَبِّحُونَهُ وَ لَهُ يَسْجُدُونَ؛ (الأعراف، ۲۰۶)؛ «وَ لَهُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ وَ مَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَ لَا يَسْتَحْسِرُونَ»؛ (الأنبياء، ۱۹).

۴. «وَ قَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ»؛ (غافر، ۶۰).

۵. «وَ إِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَ كَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ كَافِرِينَ الْأَحْقَافُ»؛ (احقاف، ۶)؛ «فَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَ بَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لِغَافِلِينَ»؛ (يونس، ۲۹)؛ «كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَ يَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا»؛ (مریم، ۸۲).

محور، قابل دسته‌بندی است. برخی از این تعاریف به «عبادت بالمعنی الاخص» و برخی دیگر به «عبادت بالمعنی الاعم» مربوط می‌شود. وجه مشترک تعاریف علمای امامیه این است که نیت و قصد را برای تحقق عبادت شرط می‌دانند و عملی که با نیت همراه نباشد، عبادت محسوب نمی‌شود. با توجه به تعاریف شیعه نمی‌توان با استناد به ظاهر افعال مسلمانان، آنها را مشرک خواند.

تعاریف وهابیان را نیز از میان آثار علمای آنان جمع‌آوری کردیم که مجموعاً چهار مورد است که در دو محور، قابل تقسیم هستند. تعاریف آنان از عبادت با چالش‌های جدی روبه‌رو است؛ زیرا از عنصر «نیت» و «قصد» غفلت ورزیده‌اند و همین امر، موجب شده بسیاری از اعمال غیرشرکی مسلمانان را شرکی محسوب کنند. علاوه بر این، تعریف وهابیان از عبادت با چالش‌های جدی روبه‌روست و نتایج فاسدی دارد که به هیچ عنوان نمی‌توانند به آنها ملتزم باشند که در نوشته پیش رو به مواردی از آنها اشاره شده است. در این نوشتار ابتدا به تعاریف مختلف علمای شیعه از عبادت و ارزیابی آنها می‌پردازیم و بعد از بررسی و ارزیابی دیدگاه وهابیت و بیان نقاط ضعف آن، صحیح‌ترین تعریف را با ذکر ادله بیان می‌کنیم. این مسئله‌ای است که تاکنون کسی به آن نپرداخته است. امیدواریم مفید واقع شود.

عبادت در لغت

اربابان لغت ماده «ع.ب.د» را به دو معنای «خضوع» و «اطاعت» تفسیر کرده‌اند که به تفصیل به بیان آنها می‌پردازیم.

۱. معنای خضوع و تذلل؛ چنانکه ابن‌منظور، جوهری و فیروزآبادی، عبادت را به معنای ذلت گرفته‌اند و می‌گویند این ماده در اصل به معنای عبودیت خضوع و تذلل است.^۱ همچنین ابن‌فارس می‌گوید: «ماده «ع.ب.د» به معنای تذلل (هموار و رام بودن)

۱. ابن‌منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۱؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۲، ص ۵۰۳؛ فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، بصائرذوی التمییز، ج ۴، ص ۸.

است و نقطه مقابل آن، گردنکشی، امتناع و غلظت است.^۱ از آنجا که ماده عبد به معنای تذلل و خضوع است، راغب در مفردات، عبودیت را این گونه تفسیر می کند: «العبودیه اظهار التذلل؛ عبادت به معنی اظهار تذلل است».^۲ فراهیدی در العین نیز «طریق مُعَبَّد» را به معنی راه و جاده هموار تفسیر کرده است؛ «و هو کل طریق یکثر فیهِ المختلفه المسلوک».^۳

۲. معنای اطاعت و فرمان برداری؛ چنانکه ابن منظور و جوهری و سایر لغویین، علاوه بر خضوع و تذلل، ماده «ع.ب.د» را به معنای «اطاعت و فرمان برداری» نیز تفسیر کرده اند.^۴

نتیجه اینکه ماده «عبد» در لغت در دو معنای خضوع و اطاعت استعمال شده است.

عبادت در اصطلاح

بنا بر آنچه گذشت، عبادت در لغت به دو معنای «خضوع» و «اطاعت» تفسیر شده است. حال باید ببینیم این واژه در لسان شریعت و اصطلاح به چه معنایی به کار رفته است.

عبادت از منظر شیعه

مرحوم فیض کاشانی عبادت را به اطاعت خالصانه از خدای یکتا همراه با تذلل و خشوع، تفسیر کرده است.^۵ طبق این تعریف، خشوع و تذلل، چنانچه در برابر الله باشد عبادت او جل و علی محسوب می شود. مرحوم بحر العلوم عبادت را به معنای یکتادانستن حق تعالی همراه با اطاعت و خضوع در برابر او جل و علی تفسیر کرده است.^۶ وی عبادت را مجموعه ای از اعتقاد همراه با اطاعت و خضوع می داند. آیت الله خوئی در البیان

۱. ابن فارس، احمد، مقایس اللغة، ص ۵۹۷.

۲. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات، ص ۳۳۰.

۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، ترتیب کتاب العین، ج ۳، ص ۱۱۲۴.

۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ج ۳، ص ۲۷۳؛ جوهری، اسماعیل بن حماد، الصحاح، ج ۲، ص ۵۳؛ الزاوی،

طاهر احمد، ترتیب القاموس المحيط، ج ۳، ص ۱۳۵.

۵. فیض کاشانی، محسن، تفسیر الاصفی، ج ۱، ص ۶.

۶. بحر العلوم، سید محمد مهدی، مصابیح الاحکام، ج ۱، ص ۱۸.

می‌نویسد: «العباده هو الخضوع لشيء على انه رب يعبد؛ عبادت یعنی خضوع کردن برای چیزی که در ذهن عابد، رب و معبود است».^۱ وی عبادت را متشکل از خشوع و اعتقاد به ربوبیت می‌داند. مرحوم سبزواری در مواهب الرحمن می‌نویسد: «عبادت به معنای خضوع در برابر کسی است که در عالی‌ترین درجه کمال است و کمالی فوق از تصور نیست».^۲ همچنین می‌نویسد: «عبادت، نهایت خضوع و تذلل و تعظیم است که جز برای خداوند سزاوار نیست».^۳ عبادت در نگاه وی از دو عنصر خضوع و اعتقاد - به کسی که در عالی‌ترین درجه کمال است - تشکیل شده است.

محمدحسین فضل‌الله می‌نویسد: «عبادت خضوع مطلق است که در دل خود تسلیم بودن در برابر معبود و ذوب شدن در وی را به همراه دارد». وی معتقد است عبادت به معنی صرف خضوع، طاعت و تاله نمی‌باشد. «فلیست العبادة هي الخضوع و لا الطاعة و لا التَّالَّة».^۴ وی در جای دیگری می‌نویسد: «عبادت به معنی تسلیم محض شدن در برابر معبود است».^۵ چنانکه می‌بینیم در نگاه وی خضوع و اعتقاد به الوهیت، از عناصر اصلی تشکیل دهنده عبادت هستند.

مرحوم طهرانی در مُقْتَنِيَاتُ الدَّرَرِ می‌نویسد: «منظور از عبادت، پرستش کردن [الله] به روشی است که او به آن دستور داده است».^۶ عبادت در نگاه وی، پابندی به اوامر الهی است. مرحوم ملکی میانجی نیز می‌نویسد: «عبادت یعنی انجام کاری که به آن امر شده و مکلف به قصد امتثال امر، آن را انجام می‌دهد».^۷ قصد امتثال امر و انجام مأموریه، دو شرط اصلی عبادت در نگاه وی است.

علامه طباطبایی می‌نویسد: «عبادت به معنی ارائه و نشان دادن مملوکیت در برابر رب

۱. خویی، ابوالقاسم، البیان، ص ۴۷۴.

۲. سبزواری، عبدالاعلی، مواهب الرحمن، ص ۵.

۳. سبزواری نجفی، محمد، ارشاد الاذهان، ص ۶.

۴. فضل‌الله، سید محمدحسین، من وحی القرآن، ج ۱، ص ۵۶-۵۷.

۵. همان.

۶. حائری طهرانی، سید علی، مقتنیات الدرر، ج ۱، ص ۱۸.

۷. ملکی میانجی، محمدباقر، منابع البیان، ج ۱، ص ۱۲۳.

و مالک است».^۱ آیت الله جوادی آملی نیز همین تعریف را در تسنیم ذکر کرده است.^۲ چنانکه می بینیم در نگاه علامه، اعتقاد به ربوبیت و مالکیت، شرط اصلی تحقق عبادت است.

آیت الله مکارم شیرازی نیز در تعریف عبادت می گوید: «خضوع مطلق و نهایت تواضع و تذلل در مقابل معبود و از نظر اسلامی این کار مخصوص خداست».^۳ از نگاه وی خضوع در برابر معبود، عبادت است. با توجه به اینکه آیت الله مکارم شیرازی در توجیه سجده ملائکه بر آدم گفته سجده آنان پرستش حضرت آدم محسوب نمی شود؛ زیرا با نیت تکریم بر آدم علیه السلام سجده کردند نه با نیت تقرب و با اعتقاد به الوهیت و ربوبیت؛ پس وی علاوه بر خضوع، عنصر نیت را در شکل گیری عبادت اصطلاحی شرط می داند.^۴ از این رو کسی نمی تواند وی را متهم کرده و بگوید تعریف ایشان از عبادت با تعریف وهابیان یکی است.

آیت الله سبحانی در معنای اصطلاحی عبادت می نویسد: «عبادت یعنی خضوع و کرنش در برابر کسی که او را اله هستی یا موجودی که امور عالم به او تفویض و واگذار شده بدانیم اعم از امور تکوینی و تشریعی».^۵ چنانکه می بینیم وی خضوع و اعتقاد را دو عنصر اصلی عبادت می داند.

ارزیابی تعاریف شیعه از عبادت

تعاریف علمای شیعه از عبادت به دو دسته قابل تقسیم است:

الف: تعریف مرحوم فیض، بحرانی، طهرانی، سبزواری و ملکی میانجی که این دسته به عبادت بالمعنی الاخص مربوط می شوند.

۱. طباطبایی، محمدحسین، المیزان، ج ۱، ص ۲۵.

۲. جوادی آملی، عبدالله، تفسیر تسنیم، ج ۱، ص ۴۱۵.

۳. مکارم شیرازی، ناصر، پیام قرآن، ج ۳، ص ۲۸۹-۲۷۹.

۴. نک: تفسیر نمونه، ذیل آیه ۳۴ بقره ﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾.

۵. سبحانی، جعفر، مرزهای توحید و شرک، ص ۶۷.

ب: تعریف آیت‌الله خوئی، فضل‌الله، علامه طباطبائی، جوادی آملی و سبحانی و آیت‌الله مکارم شیرازی که این دسته به عبادت بالمعنی الاعم مربوط می‌شوند. چنانکه گذشت بحث ما در این نوشتار عبادت از نوع دوم است. (عبادت بالمعنی الاعم) از این رو به ارزیابی دسته اول نمی‌پردازیم؛ زیرا همه قبول دارند که انجام مأموریه و پایبندی به دستورات و واجبات شریعت عبادت است. از این رو تعریف آنان از این فرد از عبادت مورد قبول همه فرق اسلامی و حتی وهابی‌ها است. اما تعریف دسته دوم: یعنی کسانی که عبادت را به خضوع و نیت و اعتقاد به الوهیت یا ربوبیت تفسیر کرده‌اند. این تعریف به عبادت بالامعنی الاعم مربوط می‌شود و محل بحث ماست که چند ویژگی دارد:

اولاً: در این تعریف به مسئله نیت که رکن اصلی هر عملی از جمله عبادت است، توجه شده است. پس با فرموده رسول‌الله ﷺ مبنی بر «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى»؛ «[میزان ارزش] اعمال به نیت بستگی دارد برای هر کسی نیتش سود دارد»، موافق است.^۱ طبق این روایت، هر عملی با نیت آن سنجیده می‌شود اگر کسی به نیت پرستش الله، کاری انجام دهد، الله را عبادت کرده و اگر به نیت پرستش غیر الله عملی انجام دهد، غیر الله را عبادت کرده است. از این رو اگر کسی به نیت پرستش و عبادت و با اعتقاد به الوهیت و ربوبیت در برابر غیر الله سجده کند، مرتکب عبادت غیر الله شده و اگر به نیت پرستش و با اعتقاد به الوهیت و ربوبیت، سجده نکند مرتکب شرک نیست.

ثانیاً: طبق تعریف ذکر شده، ملاک شرکی بودن اعمالی مانند ندای غیر الله، سجده و رکوع در مقابل سلاطین و اولیا، طواف حول قبور و حتی ذبح در کنار قبور «قصد عامل» است. از این رو زمانی به شرک بودن این اعمال فتوی می‌دهند که به قصد پرستش و با اعتقاد به ربوبیت و الوهیت انجام گیرند. علامه طباطبائی در المیزان در خصوص ﴿اسْجُدُوا لِلَّهِ﴾ می‌نویسد:

«از این جمله، اجمالاً استفاده می‌شود که سجده برای غیر خدا جایز است

۱. طوسی، محمدحسن، امالی، ج ۲، ص ۲۰۶.

در صورتی که منظور از آن احترام و تکریم آن غیر خدا... باشد»^۱ وی می‌گوید: «عبادی بودن، ذاتی سجده نیست. از این رو می‌توان آن را به صورت پرستش و به صورت غیر پرستش انجام داد و زمانی سجده عبادت محسوب می‌شود که با نیت و اعتقاد پرستش همراه باشد»^۲.

ثالثاً: ویژگی سوم این تعریف آن است که جامع افراد و مانع اغیار است که به آن خواهیم پرداخت.

عبادت از منظر وهابیت

بر خلاف علمای امامیه، وهابی‌ها در مقام تفسیر معنای اصطلاحی عبادت به بیان معنای لغوی اکتفا کرده‌اند و عبادت را به معنی مطلق خضوع و تذلل تفسیر کرده و مشکلات فراوانی را به بار آورده‌اند که در ادامه به برخی از آنها اشاره خواهد شد. وهابیان مجموعاً چهار تعریف برای عبادت ذکر کرده‌اند که آنها را یکی یکی ارزیابی می‌کنیم.

تعریف اول

شیخ صالح آل‌الشیخ می‌گوید: «العبادة اسم جامع لكل ما يحبه الله ويرضاه، من الأقوال والأعمال الظاهرة والباطنة»^۳. عبادت عنوان جامعی است برای هر آنچه خداوند متعال (از اقوال و اعمال ظاهری و باطنی) دوست داشته و به آن راضی است. وی در ادامه می‌نویسد: «خداوند می‌فرماید: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾^۴ در این آیه، خداوند امر به نماز و قربانی کرده است که نشانگر این مطلب است که این دو کار را دوست داشته و به انجام آن رضایت دارد. از این جهت نماز و قربانی، عبادت است»^۵.

۱. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، ج ۳، ص ۹۹.

۲. همان.

۳. آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، العقيدة، ج ۱۷، ص ۳۲.

۴. کوثر، ۲.

۵. «العبادة: اسم جامع لكل ما يحبه الله ويرضاه، من الأقوال والأعمال الظاهرة والباطنة. يقول صالح آل‌الشيخ، في التمهيد: وقوله: ﴿فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَانْحَرْ﴾ [الكوثر: ۲]، فأمر بالصلاة وأمر بالتحرك وإذا أمر به فهو داخل في حد العبادة؛ لأن العبادة: اسم جامع لكل ما يحبه الله ويرضاه، من الأقوال والأعمال الظاهرة والباطنة. فأمره جل و علا بالصلاة، دليل على أنها محبوبة لديه؛ وأمره سبحانه بالتحرك، دليل على أنه محبوب له و مرضي؛ فتكون الصلاة والتحرك إذا عبادة لله جل و علا».

تعریف دوم

شیخ صالح آل‌الشیخ در تعریف دیگری از عبادت می‌گوید: «هی کل ما یتقرب به العبد إلی الله - جل وعلا - ممتثلاً به الأمر والنهی». عبادت، عبارت است از آنچه عبد به‌وسیله آن به خداوند متعال نزدیک می‌شود که یا امتثال اوامر است یا ترک نواهی. از این رو ذبح، عبادت نامیده می‌شود؛ زیرا این عمل با دستور خداوند برای تقرب به او انجام شده است.^۱

بررسی و نقد

بر این دو تعریف، اشکالاتی وارده شده که عبارت‌اند از:

اولاً: این دو تعریف، منطبق بر همه مصادیق عبادت نیست.

الف) در عالم، اقوامی هستند که مدت زیادی در مقابل بت خود به‌صورت تربیع (چهار زانو) می‌نشینند و آن را عبادت می‌کنند. برخی دیگر با آویزان شدن در مقابل بت، او را پرستش می‌کنند؛ اما هیچ یک از این افعال، مورد تأیید خداوند متعال نبوده و به آن راضی نیست و تقریبی هم به خداوند متعال در این افعال دیده نمی‌شود. درحالی که این اعمال به قصد عبادت غیر الله انجام می‌گیرد. نتیجه اینکه تعریف عبادت جامع افراد آن نیست.

ب) گاهی مواقع خداوند به‌گونه‌ای عبادت می‌شود که در شرع وارد نشده. از این رو به آن عبادت فاسد می‌گویند، یعنی عبادت نیست.^۲

ثانیاً: منظور وهابیت از ارائه این دو تعریف این است که آنچه خداوند دوست داشته و مورد رضایت او است یا با انجام آن به خداوند تقرب پیدا می‌شود، اگر برای خداوند متعال انجام گیرد، عبادت او است و اگر برای غیر خداوند انجام گیرد، شرک است و عبادت غیر الله؛ اما اشکالاتی به آن وارد است که به برخی اشاره می‌شود:

۱. در عالم هستی، بسیاری از افعال وجود دارد که خداوند دوست دارد و شخص

(آل‌الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، التمهید شرح کتاب التوحید، ص ۳۲).

۱. «إن العبادة: هي كل ما يتقرب به العبد إلی الله - جل وعلا - ممتثلاً به الأمر والنهی. ويكون التحر عبادة أيضاً؛ لأنه يُعمل تقرباً إلی الله - جل وعلا - بامتثال الأمر الوارد فيه». (آل‌الشیخ، صالح بن عبد‌العزیز، التمهید شرح کتاب التوحید، ص ۱۴۵).

۲. نک: نابلسی، عثمان مصطفی، نقد الروثیه الوهابیه فی الربوبیه و الالهیه و الاسماء و الصفات، باب دوم توحید الوهی، تعریف عبادت، ص ۱۳۵.

مؤمن با انجام آن به خداوند متعال نزدیک می‌شود، مانند اطعام فقیر، برداشتن موانع از سر راه، کمک به دیگران و... حال اگر این امور برای غیر خدا انجام گیرد، شرک به خداوند و عبادت غیر خدا نیست. می‌توان این کارها را برای ارتباط با یک مسئول انجام داد؛ اما کسی نمی‌گوید: با انجام این کار، فلان مسئول عبادت شده است.

۲. هر کس به سجده مشرک در مقابل بت نگاه کند، بلافاصله می‌گوید آن شخص، عبادت غیر الله کرد؛ اما اگر همان مشرک به گرسنه‌ای غذا بدهد تا به فردی نزدیک شود؛ کسی نمی‌گوید فلانی عبادت غیر الله، کرده است.

۳. در شرع مقدس، برخی از افعالی که خداوند متعال دوست داشته و به آن راضی است برای غیر الله انجام شده است؛ اما کسی نگفته فاعل آن مشرک است. سجده ملائکه برای آدم و همچنین سجده برادران یوسف علیه السلام برای آن حضرت از این موارد است با این حال آنان با انجام این کار مشرک نشدند.

۴. واضح است که درخواست مؤمن از پروردگار عالم، عبادت اوست؛ اما گاهی اوقات شخص مؤمن درخواستی از خداوند متعال می‌کند که غیر خدا هم توان انجام آن را دارد. در روایتی از عایشه نقل شده است: «سلوا الله کل شیء، حتی شمع النعل». گاهی اوقات از غیر الله چنین اموری خواسته می‌شود؛ اما کسی به آن عبادت مخلوق نمی‌گوید.^۱

تعریف سوم

وهایی‌ها گاهی برای بیان تعریف عبادت به سخن ابن‌قیم تمسک کرده و می‌گویند: عبادت، عبارت است از دوست‌داشتن به‌همراه خضوع و کرنش. پس هر کسی که در مقابل او خضوع داشتی و از او اطاعت کردی و دوستش داشتی، او را عبادت کرده‌ای.^۲

بررسی و نقد

این تعریف با بسیاری از افعال که در آن کرنش و خضوع برای غیر خداوند متعال وجود

۱. همان.

۲. «العبادة: هي الحب، مع الذل؛ فكل من ذلت له و أطعته و أحببته، دون الله، فأنت عابد له». (ابن قیم، مدارج السالکین بین منازل إياك نعبد وإياك نستعين، ج ۲، ص ۱۷۹)

دارد، نقض می‌شود. خداوند ما را امر به کرنش، خضوع، محبت و اطاعت در مقابل رسول الله ﷺ کرده است. در شرع مقدس، امر به خضوع در مقابل مؤمنین شده است، امر به احترام در مقابل والدین شده است. در این صورت آیا شرع، دستور به عبادت غیر خدا داده است؟!

نتیجه این که این تعریف نیز مانند تعاریف دیگر دچار مشکل بوده و نه جامع افراد است و نه مانع غیر.^۱

تعریف چهارم

وهابی‌ها گاهی به تعریف دیگری از این قیّم تمسک می‌کنند که گفته: عبادت دارای دو اصل است. اصل اول: نهایت دوست‌داشتن، اصل دوم: نهایت خضوع. پس کسی که دوست داشته باشی؛ اما در مقابل او خضوع نکنی، او را عبادت نکرده‌ای و کسی که در مقابل او خضوع کنی؛ اما دوستش نداشته باشی عبادت او را نکرده‌ای تا اینکه هم او را دوست بداری و هم در مقابلش خضوع کنی.^۲

بررسی و نقد

این تعریف با بسیاری از عبادات مسلمین، نقض می‌شود؛ بلکه باید گفت با عبادت اکثر مسلمین در تضاد است؛ زیرا تنها انبیا و مخلصین از اولیا هستند که دارای نهایت خضوع به همراه نهایت محبت در عبادت هستند. عبادت اکثر مسلمانان نه دارای نهایت محبت است و نه دارای نهایت خضوع! در روایتی از احمد بن حنبل نقل شده که رسول خدا ﷺ فرمودند: «مِنْكُمْ مَنْ يُصَلِّي الصَّلَاةَ كَامِلَةً، وَمِنْكُمْ مَنْ يُصَلِّي النِّصْفَ، وَالثُّلُثَ، وَالرُّبْعَ حَتَّى بَلَغَ الْعُشْرَ».^۳

۱. نک: نابلسی، عثمان مصطفی، نقد الروثیه الوهابیه فی الربوبیه و الالهیه و الاسماء و الصفات، باب دوم توحید الوهی، تعریف عبادت، ص ۱۳۹.

۲. «وَالْعِبَادَةُ تَجْمَعُ أَصْلَيْنِ: غَايَةُ الْحُبِّ بِغَايَةِ الذَّلِّ وَالْخُضُوعِ، وَالْعَرَبُ يَقُولُ: طَرِيقٌ مُعَبَّدٌ أَيْ مُذَلَّلٌ، وَالتَّعَبُّدُ: التَّذَلُّلُ وَالْخُضُوعُ، فَمَنْ أَحَبَّيْتَهُ وَلَمْ تَكُنْ خَاضِعًا لَهُ، لَمْ تَكُنْ عَابِدًا لَهُ، وَمَنْ خَضَعْتَ لَهُ بِلاَ مَحَبَّةٍ لَمْ تَكُنْ عَابِدًا لَهُ حَتَّى تَكُونَ مُجِبًّا خَاضِعًا».

(ابن قیّم، مدارج السالکین، ج ۱، ص ۹۶).

۳. ابن حنبل شیبانی، أحمد، مسند أحمد بن حنبل، ج ۲۴، ص ۲۸۰، ح ۱۵۵۲۲.

حال جای این سؤال است که آیا عبادات مسلمانی که به این درجه از کمال نرسد، خارج از تعریف عبادت است؟! در نتیجه معلوم می شود که این تعریف نیز جامع مصادیق عبادت نیست.^۱

علاوه بر اشکال ذکر شده، دو اشکال اساسی دیگر به این تعریف وارد است:

اشکال اول

در نگاه این طیف اعمالی که فاقد خضوع اند نباید عبادت محسوب شوند؛ مانند: نماز و روزه بدون خضوع، جهاد بدون خضوع، دعا بدون خضوع و... در حالی که اینها نماز را چه همراه با خضوع باشد و چه بدون خضوع، عبادت محسوب می کنند.

اشکال دوم

در نگاه این طیف از علما خیلی از اعمالی که جلو دیگران انجام می شوند باید - به سبب همراه بودن با صرف خضوع یا نهایت خضوع، عبادت غیر الله محسوب کنند در حالی که اینها این اعمال را عبادت غیر الله به حساب نمی آورند. مثال:

۱. سجده ملائکه بر آدم مشتمل بر خضوع است، ولی سجده ملائکه در برابر آدم

عبادت وی به حساب نمی آید:

﴿وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَىٰ وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ﴾^۲

۲. سجده والدین و برادران یوسف علیه السلام در مقابل وی با خضوع همراه بود، ولی سجده

آنها عبادت یوسف علیه السلام محسوب نمی شود.

﴿وَرَفَعَ أَبَوَيْهِ عَلَى الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ هَذَا تَأْوِيلُ رُؤْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِنَ الْبَدْوِ مِنْ بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي إِنَّ رَبِّي لَطِيفٌ لِمَا يَشَاءُ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ﴾^۳

۳. تواضع انسان در برابر والدین، همراه با خضوع است، ولی عبادت آنان محسوب

۱. نک: نابلسی، عثمان مصطفی، نقد الروثیه الوهابیه فی الربوبیه و الالهیه و الاسماء و الصفات، باب دوم توحید الوهی، تعریف عبادت، ص ۱۳۵.

۲. بقره، ۳۴.

۳. یوسف، ۱۰۰.

نمی‌شود.

﴿وَاخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذُّلِّ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا﴾^۱.

بنابر این نتیجه می‌گیریم، تعریف عبادت به کمال الحب و کمال الذل، به هیچ شکلی صحیح نیست؛ چون از بیان رکن اصلی عبادت یعنی نیت، غفلت شده درحالی که آنچه عبادت را از غیر عبادت (عادت) جدا می‌کند، صرفاً نیت است. با توجه به تام‌نبودن تعریف مذکور، آن دسته از اعمال مسلمانان را که صرفاً به سبب همراه‌بودن با خضوع و خشوع، عبادت غیر الله محسوب می‌کنند نادرست است.

تعریف نهایی از عبادت

بنا بر آنچه گذشت، دسته دوم از تعاریف علمای شیعه در باب عبادت، صحیح است، ولی هیچ یک از تعاریفی که وهابیت از عبادت ارائه داده‌اند، صحیح نمی‌باشند. در پایان این نوشتار، تعریف نهایی عبادت را که علمای امامیه نیز به آن تصریح کرده‌اند بعد از ذکر کردن چند مطلب اساسی، بیان می‌کنیم.

مطلب اول: ملاک ارزش عمل در اسلام چیست؟

ملاک ارزش عمل در اسلام، ایمان است. توضیح مطلب اینکه در اسلام عملی اجر و ارزش دارد که با ایمان همراه باشد: ﴿مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْثَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهُ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ﴾^۲؛

هر کس، چه زن و چه مرد، کار شایسته انجام دهد و مؤمن باشد، به او (در این دنیا) زندگی پاکیزه و خوشایندی می‌بخشیم و (در آن دنیا) پاداش (کارهای خوب و متوسط و عالی) آنان را بر طبق بهترین کارهایشان خواهیم داد. نتیجه اینکه عمل، منهای ایمان در اسلام هیچ ارزشی ندارد.

﴿قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا* الَّذِينَ ضَلَّ سَعْيُهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ يُحْسِنُونَ صُنْعًا* أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فَلَا تُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ

۱. اسراء، ۲۴.

۲. النحل، ۹۷.

سؤال

آیا در اسلام برای ارزش‌گذاری عمل علاوه بر ایمان به قید دیگری هم نیازمندیم؟

پاسخ

بله، علاوه بر ایمان به نیت نیز نیازمندیم. نیت در کنار ایمان به اعمال صالح ارزش می‌دهد و اساساً از نظر اسلام عمل مؤمن با نیتش ارزش‌گذاری می‌شود. در منابع فریقین آمده که رسول الله ﷺ فرمود: «مَلَاکُ ارْزَشِ عَمَلٍ نِیتُ اسْتِ». در بخاری آمده:

عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ، وَإِنَّمَا لِكُلِّ امْرِئٍ مَا نَوَى، فَمَنْ كَانَتْ هِجْرَتُهُ إِلَى دُنْيَا يُصِيبُهَا أَوْ إِلَى امْرَأَةٍ يَنْكِحُهَا فَهَاجِرَتُهُ إِلَى مَا هَاجَرَ إِلَيْهِ؛ عُمَرُ بْنُ الْخَطَّابِ مِی‌گوید: از رسول الله ﷺ شنیدم که فرمودند: اعمال به نیت‌ها بستگی دارند و با هر کس، مطابق نیتش رفتار می‌شود. پس هر کس، به سبب مقاصد دنیوی یا ازدواج با زنی، هجرت نماید، به دنیا دست می‌یابد و با آن زن، ازدواج می‌کند. در نتیجه، دست‌آورد هجرت هر کس، همان چیزی است که برای آن، هجرت کرده است.

نتیجه: عمل مؤمن به شرطی مفید است که علاوه بر ایمان با نیت همراه باشد.

مطلب دوم: اعمال جایز و مباحی که مؤمن انجام می‌دهد (اعم از واجب و غیر واجب) یا از جمله عبادات‌اند یا عادات. سؤال این است چه چیزی عادات را از عبادات جدا می‌کند؟ پاسخ اینکه آنچه عبادات را از عادات جدا می‌کند نیت است. توضیح مطلب اینکه فقط با مراجعه به نیت می‌توان یک عمل جایز را در زمره عادات یا عبادات قرار داد. اگر فردی پنج وعده صرفاً آدای نمازگزاران را در بیاورد کسی نمی‌گوید نماز می‌خواند؛ بلکه می‌گویند این از عادات روزانه وی است؛ اما اگر روزی پنج بار به نیت عبادت، نماز بخواند می‌گویند الله را عبادت کرده است.

پس تا زمانی که به نیت مؤمن پی نبریم، نمی‌توانیم بگوییم عمل مباح و جایزی که

۱. الکهف، ۱۰۵-۱۰۳.

انجام داده از سر عادت بوده یا از سر عبادت.

فرضاً عملی بتواند عبادت واقع شود، سؤال این است که چه چیزی این عمل عبادی را در زمره عبادت الله (و توحید) قرار می‌دهد؟ و چه چیزی آن را در زمره عبادت غیر الله و شرک قرار می‌دهد؟ پاسخ اینکه فقط، نیت است که اعمال عبادی را در زمره عبادت الله و عبادت غیر الله قرار می‌دهد.

پس تا زمانی که به نیت مؤمن پی نبریم، نمی‌توانیم بگوییم با عمل عبادی که مرتکب می‌شود، الله را عبادت کرده یا غیر الله را؟ مثلاً اگر جلو کسی سجده کرد به‌صرف استناد به ظاهر سجده، متهم به شرک نمی‌شود. غرض اینکه نیت، نقشی اساسی در تشخیص عبادت الله و غیر الله دارد.

مطلب سوم: اینکه چرا اندک خضوع والتجاء مشرکان در برابر بت، عبادت نامیده می‌شود؛ اما خضوع محض بنده و ابراز تذلل او در برابر سرور خود عبادت وی محسوب نمی‌شود؟!

پاسخ اینکه: اندک خضوع و التجاء مشرکین در برابر بتها با نیت پرستش (و اعتقاد به ربوبیت و الوهیت) همراه است، ولی خضوع محض بنده در برابر مولا با نیت پرستش و اعتقاد به ربوبیت و الوهیت، همراه نیست.

بر اساس مقدمات بیان شده به ذکر تعریف صحیح عبادت می‌پردازیم. عبادت به معنی خضوع و تذلل در برابر موجودی است که به الوهیت و ربوبیت او اعتقاد داریم. آیت الله سبحانی این تعریف را این گونه بیان داشته اند: «العبادة هو الخضوعُ امامَ موجودٍ له الربوبية؛ خضوع با اعتقاد به ربوبیت، عبادت است».^۱

نتیجه گیری

عبادت در لغت به دو معنای خضوع و اطاعت، تفسیر شده است. در منابع امامیه دو دسته تعریف برای عبادت ارائه شده برخی به عبادت بالامعنی الاخص و برخی به عبادت

۱. سبحانی، جعفر، التوحید و الشرک فی القرآن و السنة، ص ۳۷.

بالمعنى الاعم مربوط مى‌شوند؛ تعاریف عبادت بالمعنى الاخص از محل بحث ما خارج است؛ اما تعاریف مربوط به عبادت بالمعنى الاعم به بحث ما مربوط مى‌شد که کامل‌ترین تعریف از آیت‌الله سبحانی نقل شد و آن اینکه فرمودند: «العبادة هو الخضوع امام من له الربوبية والالهية».

در منابع وهابیان چهار تعریف از عبادت ارائه شده که هیچ‌کدام جامع افراد و مانع اغیار نمى‌باشند و دارای اشکالات متعددی است که به آنها اشاره شد.

منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: عبدالسلام محمد هارون، قم: مرکز النشر لمکتبة الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ق.
۳. ابن قیم جوزی، مدارج السالکین بین منازل إياک نعبد وإياک نستعین، تحقیق: محمد المعتصم بالله البغدادي، بیروت: دار الکتب العربی، چاپ دوم، ۱۴۱۶ق-۱۹۹۶م.
۴. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، بیروت: دار الصادر، چاپ اول، ۱۹۹۷م.
۵. آل الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، التمهید لشرح کتاب التوحید، بی جا: دار التوحید، چاپ اول، ۱۴۲۴ق، ۲۰۰۳م.
۶. آل الشیخ، صالح بن عبدالعزیز، شرح کشف الشبهات، بی جا: المکتبة الشاملة، بی نا، بی تا.
۷. بحر العلوم، سید مهدی، مصابیح الاحکام، بی جا: بی نا، بی تا.
۸. بخاری، محمد، صحیح بخاری، بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تا.
۹. جوادی آملی، عبدالله، تسنیم تفسیر قرآن کریم، قم: نشر اسراء، ۱۳۸۶ش.
۱۰. جوهری، اسماعیل بن حماد، اللصاح تاج اللغة و صحاح العربیة، تحقیق: أحمد عبد الغفور عطار، بیروت: دارالعلم للملایین، چاپ چهارم، ۱۴۰۷ق.
۱۱. حائری طهرانی، سید علی، مقتنیات الدرر، تهران: دارالکتب الاسلامیة، ۱۳۹۱ش.
۱۲. خویی، ابوالقاسم، البیان فی تفسیر القرآن، تهران: دارالکتب، ۱۳۶۳ش.
۱۳. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات راغب اصفهانی، تحقیق: صفوان عدنان الداودی، بیروت-دمشق: دار القلم والدار الشامیة، چاپ اول، ۱۴۱۲ق.
۱۴. الزاوی، طاهر احمد، ترتیب القاموس المحیط، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۳۹۹ق.
۱۵. سبحانی، جعفر، التوحید و الشریک فی القرآن و السنة، قم: نشر امام صادق علیه السلام، ۱۴۲۶ق.
۱۶. سبحانی، جعفر، مرزهای توحید و شریک در قرآن، ترجمه: مهدی عزیزی، تهران: نشر مشعر، ۱۳۸۰ش.
۱۷. سبزواری نجفی، محمد، ارشاد الاذهان الی تفسیر القرآن، بیروت: دارا لتعارف للمطبوعات، ۱۴۱۹ق.
۱۸. سبزواری، عبدالاعلی، مواهب الرحمن فی تفسیر القرآن، بیروت: مؤسسه اهل البيت علیه السلام، ۱۴۰۹ق.
۱۹. شیبانی، احمد بن حنبل، مسند احمد بن حنبل، المکتبة الشاملة، بی جا: بی نا، بی تا.
۲۰. طباطبائی، محمد حسین، ترجمه تفسیر المیزان، قم: دفتر انتشارات جامعه مدرسین حوزه

- علمیه قم، چاپ یازدهم، ۱۳۷۸ ش.
۲۱. طباطبائی، محمدحسین، **المیزان فی تفسیر القرآن**، قم: منشورات جماعة المدرسين، بی تا.
۲۲. طوسی، محمدحسن، **الامالی**، تهران: مؤسسة البعثة، ۱۴۱۴ ق.
۲۳. فراهیدی، خلیل بن احمد، **ترتیب کتاب العین**، قم: دارالفکر، ۱۴۳۳ ق.
۲۴. فضل الله، سید محمدحسین، **من وحي القرآن**، بیروت: دارالملاک للطباعة والنشر، ۱۴۱۹ ق.
۲۵. فیروزآبادی، محمد بن یعقوب، **بصائرذوی التمییز**، محقق: محمد علی نجار، قاهره: المجلس الأعلى للشئون الإسلامية - لجنة إحياء التراث الإسلامي، ۱۹۹۶ م.
۲۶. فیض کاشانی، محسن، **الاصفي فی تفسیر القرآن**، تحقیق: محمدحسین درایتی، قم: المكتب الاعلام الاسلامی، ۱۳۷۶ ش.
۲۷. مظفر، محمدرضا، **اصول الفقه**، بیروت: منشورات مؤسسة الاعلمي للمطبوعات، چاپ اول، ۱۴۳۰ ق.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر، **تقریرات درس خارج اصول**، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع)، چاپ دوم، ۱۴۲۹ ق.
۲۹. مکارم شیرازی، ناصر، **پیام قرآن**، قم: مدرسة الامام علی بن ابی طالب (ع)، ۱۴۲۱ ق.
۳۰. ملکی میانجی، محمدباقر، **مناهج البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: سازمان چاپ و انتشارات وزارت ارشاد اسلامی، ۱۴۱۴ ق.
۳۱. نابلسی، عثمان مصطفی، **نقد الروئیظ الوهابیة فی الربوبیة و الالهیة و الاسماء و الصفات**، نشر الکترونیک.